

نگاه کارشناس

نگاهی به پیشنهاد‌های تشکیل وزارت منابع طبیعی و محیط‌زیست بودن یا نبودن: هم وسوسه هم مساله

خدا مراد فروهر*

■ «با گرایش سریع کشور‌ها به صنعتی شدن، طبیعت جز عقب‌نشینی چاره‌ای ندارد و در چنین شرایطی بشر باید به فکر چاره‌اندیشی فوری باشد. حیف است بگذاریم آنقدر دیر شود که فرزندان‌مان تعریف غنا و زیبایی‌های طبیعت زمان ما را در لایه‌لای صفحه‌های کتاب جست‌وجو کنند» اینپایخشی از سخنان ناصر گل‌سرخ، اولین و آخرین وزیر منابع طبیعی بین سال‌های ۱۳۴۷ تا اوایل سال ۱۳۵۱ بوده است؛ وزیری که شاید یک‌درصد از فارغ‌التحصیلان منابع طبیعی هم اسمش را نشنیده باشند. حالا بعد از گذشت چهار دهه از آن سال‌های رویایی که منابع طبیعی، وزیر و وزارتخانه داشته تغییر در ساختار مدیریتی و تشکیلاتی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری و سازمان حفاظت محیط‌زیست از سوی مسوولان، کارشناسان و انجمن‌های ذی‌ربط مطرح شده و در حال پیگیری است، فرسایش بالای خاک و هدر رفتن منابع آبی، کاهش سطح جنگل‌ها و مراتع و تخریب روزافزون آنها، همسویی و در مواردی تضاد فعالیت دستگاه‌های اجرایی مشابه، نبود اختیارات و امکانات لازم برای مدیریت دلایل اصلی این تکیاوی است. پیشنهاد‌های داده‌شده یکسان نیست و به طور معمول در برگ‌رنده دیدگاه افراد با توجه به تخصص، سلیقه و اشتغال در سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف است.

اولین گزینه، ادغام سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در سازمان محیط‌زیست و تشکیل سازمان جدیدی زیر نظر رییس‌جمهور است. این گزینه اگرچه ظاهراً در مصاحبه‌ها مورد توافق هر دو سازمان است اما حقیقت آن است که فقط سازمان محیط‌زیست از این ادغام راضی است. محمدی‌زاده، رییس سازمان محیط‌زیست گفته است که «با توجه به اینکه جایگاه معاون رییس‌جمهور از وزیر بالاتر است بهتر است که این ادغام در قالب معاون رییس‌جمهور صورت گیرد اما اگر قرار باشد وزارتخانه‌ای تشکیل شود باید مجلس شورای اسلامی رای بدهد» ادغام سازمان جنگل‌ها در سازمان محیط‌زیست که تنها رویکرد نظارتی و سلبی دارد و از طرفی زیرمجموعه‌هیچ وزارتخانه‌ای نیست و خیال رییس آن از پاسخگویی به نمایندگان مجلس کاملاً راحت است نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه با بی‌توجهی به امور جنگل‌داری، مردم‌راری و آبخیزداری باعث تخریب بیشتر عرصه‌های منابع طبیعی و محیط‌زیست خواهد شد.

گزینه دوم، ادغام سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و محیط‌زیست و تشکیل سازمان جدیدی زیر نظر وزارت کشاورزی است. تفاوت این ادغام با ادغام قبلی این است که امکان پاسخگویی رییس آن در مقابل قوه مقننه وجود خواهد داشت. این گزینه بیشتر با خواسته‌های کارشناسان منابع طبیعی و سازمان جنگل‌ها سازگار است، اما این ادغام نیز مشکلی را حل نخواهد کرد چون در حال حاضر بعضی از اهداف سازمان جنگل‌ها با وزارت کشاورزی که بر تولید تاکید دارد، مغایرت دارد و با اضافه شدن سازمان محیط‌زیست به بدنه وزارت کشاورزی، تضاد اهداف بیشتر خواهد شد.

گزینه سوم، اباقی سازمان محیط‌زیست در شکل کنونی‌اش و تشکیل وزارت منابع طبیعی است. این گزینه به سه دلیل اساسی معطود است: اول اینکه محیط‌زیست بنا به گفته دکتر سلاجقه و بسیاری از اساتید دانشگاه، قابلیت بالایی بنا منابع طبیعی دارد و معقول نیست، جدا باشند دومین نکته این است که پتانسیل تشکیل وزارت منابع طبیعی به تنهایی از لحاظ نیروی انسانی و تشکیلاتی وجود ندارد. سومین نکته همسویی دو دستگاه اجرایی است.

گزینه چهارم، ادغام سازمان‌های نامبرده و تشکیل وزارت منابع طبیعی و محیط‌زیست که برخی آن را وزارت «منابع زیست» نام نهاده‌اند که نامی نارساست. این گزینه موافقان بیشتری نسبت به گزینه‌های قبل دارد و در پیشبرد اهداف دو سازمان موفق خواهد بود. دکتر سلاجقه، رییس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در گفت‌وگویی گفته است: «رشته دانشگاهی محیط‌زیست یکی از گرایش‌های دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران ۴۶سال پیش با عنوان تخریب‌رسانی و کارشناری راهاندازی شد، همین رشته بعدها به نام محیط‌زیست تغییر نام داد که نشان‌دهنده این است که از لحاظ علمی منابع طبیعی و محیط‌زیست قابل تفکیک نیستند.»

گزینه پنجم، ادغام این سازمان‌ها با سازمان و شرکت‌های متولی امور آب و تشکیل وزارت خله جدید است. گرچه پیگیری کمتری در این زمینه هست اما شخصاً معتقدم بهترین گزینه است. در بسیاری از کشورها مدیریت منابع طبیعی، محیط‌زیست و منابع آب از یکدیگر منفک نیست، به این ترتیب موازی بودن عملیات آبخیزداری و شرکت‌های آب منطقه‌ای از بین می‌رود و با تحقق آن مدیریت خاک، آب، پوشش گیاهی و حیات‌وحش انسجام بیشتری خواهد یافت.

به هر حال تمرکز توان این دستگاه‌های اجرایی و تشکیل وزارتخانه، مهم‌ترین مساله‌ای است که می‌تواند برای محیط‌زیست، منابع طبیعی، آبخیزداری، سدسازی، امور آب و… اتفاق بیفتد. البته پیشنهاد‌های دیگری چون تشکیل وزارت منابع طبیعی و محیط‌زیست به طور جداگانه وجود دارد که قابل بحث نیستند. لازم به ذکر است که بسیاری از کشورها (حتی افغانستان) وزارت منابع طبیعی دارند اما وزارتخانه آنها علاوه بر منابع تجدیدشونده (هوا، باد، آب، جنگل‌ها، مراتع و…) منابع غیرقابل تجدید (نفت، معادن، ذغال‌سنگ و…) را شامل می‌شود؛ در حالی که منابع طبیعی در ایران به خاطر شرایط موجود، معنای منابع آبی را با خود یدک می‌کشد.

«* کارشناس منابع طبیعی

بر اساس اعلام سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور مانورهای نظامی، درگیری‌های قومی و تفریح و تفرج مردم، عامل ۵۰درصد از آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع کشور است. ۵۰درصد آتش‌های دیگر را نیز عواملی چون آتش زدن پس چر مزارع، تردد رهگذران، عوامل طبیعی مانند رعد و برق و تصرف منابع طبیعی و فعالیت‌هایی عمرانی و معادن تشکیل می‌دهد.

علاوه بر تخریب و بهره‌برداری‌های سالانه از جنگل، آتش‌سوزی یکی از اصلی‌ترین علل نابودی پوشش‌های گیاهی در ایران است. در سال‌های اخیر نیز به واسطه خشکسالی‌های بی‌سابقه و مداوم و کاهش چشمگیر بارندگی در کشور بر میزان تعداد آتش‌سوزی‌های رخ‌داده در جنگل‌های کشور افزوده شده است. وقوع این رخدادها نیز تابع مکان و زمان خاصی نبوده است، در همه فصول سال از پاییز و زمستان تا بهار و تابستان و در همه پوشش‌های جنگلی کشور از جنگل‌های انبوه شمال تا بلوط‌زاران تنک زاکرس، آتش‌سوزی‌های مدام جان و تن درختان را ذغال و خاکستر می‌کند. از همین‌رو در آخرین روز هفته گذشته در استان کرمانشاه، پایگاهی تحت

عنوان پایگاه یکم اطفای حریق کشور که قرار است ۱۱ استان زاگرسی کشور شامل استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، ایلام، همدان، کرمانشاه، گلستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، اصفهان و فارس را تحت پوشش قرار دهد، افتتاح شد. این پایگاه به منظور پیشگیری و مقابله با آتش‌سوزی در جنگل‌های زاگرس به بهره‌برداری رسید. پایگاه یکم اطفای حریق کشور که با اعتبار دومیلیاردتومانی راهاندازی شده است یک فروند بالگرد، ۱۰ دستگاه خودرو و مجهز به دستگاه اطفای حریق و چهار دستگاه خودرو دومنظوره برای آبیاری جنگل‌ها و مهار آتش در اختیار دارد.

پوشش جنگلی منطقه زاگرس در وسعتی به اضلاع ۱۷۶۰کیلومتر طول و ۲۰۰کیلومتر عرض از پیرانشهر آذربایجان غربی در شمال‌غربی کشور تا فیروزآباد استان فارس در جنوب‌غربی در این سال‌ها بیش از همه جای کشور در معرض شعله‌های بی‌رحم آتش بوده است. بر اساس آخرین نقشه پوشش گیاهی تهیه‌شده در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، جنگل‌های زاگرس با شش میلیون و ۴۰هزار هکتار در گستره ۳۰میلیون هکتاری رشته کوه‌های زاگرس پراکنده شده‌اند، یعنی آنکه بیش از یک‌سوم مساحت جنگل‌های زاگرس از انبوهی پنج‌درصد برخوردار هستند. بی‌تردید این پایگاه با یک فروند بالگرد و چند دستگاه ماشین برای مهار آتش‌سوزی‌های همیشگی در استان‌های زاگرسی کفایت نمی‌کند، استان‌های انتهایی و ابتدایی قرار گرفته در دامنه زاگرس دست‌کم بیش از ۱۲۰۰کیلومتر از هم دور افتاده‌اند، اگر آتشی در یکی از نقاط استان آذربایجان غربی یا فیروزآباد فارس رخ دهد تا رسیدن ماشین‌های اطفای حریق این پایگاه همه جا را خاکستر خواهد کرد، با این همه، راهاندازی این اولین پایگاه را باید به فال نیک گرفت. البته در همایشی تحت عنوان مدیریت اطفای حریق در کنار افتتاحیه همین پایگاه هم علی سلاجقه، رییس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری از نیاز کشور به ایجاد پنج پایگاه اصلی و ۳۰ پایگاه فرعی اطفای حریق در کشور سخن گفت.

سود سدسازی ایران به کام اعراب

دیگر سخنان علی سلاجقه در این همایش هم



مانورهای نظامی، درگیری قومی و تفریح، عامل ۵۰درصد آتش‌سوزی جنگل‌های ایران

آتش در گلستان

صدرا محقق

بیش از آنکه از منظر یک مقام دولتی به نظر برسند حال و هوایی انتقادی داشت، به ویژه آنجایی که گفت: «دخالت‌های بی‌رویه سبب افزایش مخاطرات طبیعی شد به نحوی که از ۴۳ بالای طبیعی، ۲۳ بلا در ایران وجود دارد. آتش‌سوزی، سیل، خشکسالی، راش زمین، فقر، آلودگی، ریزگردها و… همگی بلایای طبیعی ناشی از عدم توجه به منابع طبیعی است. به همین دلیل همه ما تفکیم در برابر مشکلات ایجادشده پاسخگو باشیم و در راستای ارتقای وضعیت منابع طبیعی برای ارتقای نسل بشر تلاش کنیم چون اگر در ابتدای کار که دخالت‌ها در طبیعت افزایش می‌یابد این روند مدیریت می‌شد امروز شاهد وقوع پدیده‌ای نظیر ریزگرذ نبودیم. سلاجقه از هدر رفتن، سالانه دونیم‌میلیون خاک حاصلخیز کشاورزی در کشور خبر داد و گفت: این رقم به مفهوم آن‌درده خارج شدن سالانه یک سد با حجم سد امیرکبیر است. اگر هزینه‌های ساخت سد امیرکبیر و عناصری

که از خاک کشاورزی هدررفته را حساب کنیم؛ درخواهیم یافت که ثروت‌های عظیمی از کشور سالانه بر اثر فرسایش از دسترس خارج می‌شود. خسارت‌های سالیانه سیلاب در کشور سالانه یکونیم‌میلیارد تومان است.» این مقام دولتی، زاگرس را سیر دفاعی کشور در برابر هجوم پدیده گرد و غبار دانست و با اشاره به بروز بیماری مرگ بلوط در جنگل‌های

غرب کشور تاکید کرد: «این جنگل‌ها منشاء منابع آبی هستند، وزارت نیرو همان گونه که سرمایه‌گذاری در سدسازی برای رفع نیازهای کشور را انجام می‌دهد باید مطالعات مناسبی روی استخراج آب در این مناطق داشته باشد، چرا که این منابع پس از ورود به زمین از کف خلیج‌فارس بیرون رده و با توجه به تفاوت چگالی آب شیرین و شور در فضای خلیج‌فارس حل نمی‌شوند. این روند سبب شده به راحتی اعراب از منابع آب شیرین ایران بهره‌برداری کنند.»

سلاجقه ۱۷۰هزار هکتار از اراضی جنگلی بلوط غرب



مانورهای نظامی، درگیری قومی و تفریح، عامل ۵۰درصد آتش‌سوزی جنگل‌های ایران

آتش در گلستان

صدرا محقق

در چار عارضه خشکیدگی دانست و گفت: با توجه به حرکت آب‌ها به سمت تحت‌الارض، منابع آبی در اختیار ریشه درختان قرار نمی‌گیرند. همزمان با خشک شدن بلوط‌ها شاهد طغیان آفت در این جنگل‌ها بوده‌ایم. انتقادات رییس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری به این خلاصه نشد. سلاجقه با انتقاد از عبور خط لوله گاز و نفت از جنگل‌های زاگرس گفت: «جنگل‌های غرب کریدور اصلی جنوب‌غرب کشور برای عبور لوله‌های نفت و گاز است که با کوچک‌ترین زلزله ممکن است این لوله‌ها دچار مشکل شوند. با نشت نفت، تمامی منابع آبی غرب کشور از بین خواهد رفت بنابراین باید لوله‌های نفت و گاز را از مناطقی عبور داد که کارشناسان منابع طبیعی اعلام می‌کنند.»

۷۰درصد آتش‌سوزی جنگل‌های کشور در زاگرس
میزان بارندگی در زاگرس اگرچه فراوان نیست، اما در قیاس با اقلیم گرم و خشک ایران قابل توجه و چشم‌گیر است. با این همه پوشش جنگلی زاگرس ثمره همین میزان بارش سالانه است. بارندگی زاگرس از ۳۰۰میلی‌متر در جنوب غرب تا ۶۰۰میلی‌متر در قسمت‌های شمالی در نوسان است. کارشناسان می‌گویند اقلیم زاگرس، مدیریت‌انه‌ای نیمه‌خشک با زمستان‌های سرد است. منطقه زاگرس ۳۰درصد کل نزولات کشور را در حجم ۱۵۰میلیارد مترمکعب دریافت کرده و ۵۰میلیارد مترمکعب یعنی برابر ۴۰درصد آب‌های جاری کشور را در دامنه‌های خود جاری می‌کند. از همین‌رو است که حدود ۶۰سد بزرگ و کوچک با ظرفیت ۲۵میلیارد مترمکعب از آب‌های جاری زاگرس سیراب می‌شوند.

یوسف حسینیعلی‌زاده، کارشناس ارشد منابع طبیعی از عوامل تهدیدکننده حیات جنگل‌های زاگرس به «شرق» گفته است: «از میان آسیب‌های مخرب زاگرس، حریق یکی از اصلی‌ترین عوامل جدی تهدیدکننده به حساب می‌آید به‌طوری‌که از ۴۴۷ مورد حریق کل

جنگل‌های ایران در سه‌ماهه اول سال ۱۳۸۹، ۳۵۳ مورد در جنگل‌های زاگرس اتفاق افتاده است که البته به نسبت سال پیش از آن، کاهش ۲۱درصدی را نشان می‌دهد. همچنین از ۲۲۷ حریق اتفاق افتاده در سه‌ماهه اول سال ۱۳۹۰، ۱۵۵ مورد متعلق به زاگرس بوده که در این مورد باز هم با کاهش به میزان ۳۱درصد مواجه بوده است. البته همین کاهش‌ها حاکی از آن است که اقدامات کنترل حریق در جنگل‌های زاگرس چه تأثیری دارد.»

این کارشناس منابع طبیعی می‌افزاید: «پدیهی است که تعداد آتش‌سوزی‌ها و سطح‌سوخته، ارتباط

مستقیم با وضعیت پوشش و بارش‌های سالیانه دارد. منطقه زاگرس از نظر حریق به دو بخش مناطق حساس از قبیل عرصه‌های قرق، ذخیره‌گاه‌های جنگلی، جنگل کاری‌های جوان، جنگل‌های سوزنی‌برگ طبیعی و دست‌کاشت و مناطق بحرانی شامل عرصه‌هایی که به دفعات طی ۱۰سال اخیر دچار حریق شده‌اند که از نظر بررسی علل و انگیزه عوامل ایجاد حریق حایز اهمیت است. با توجه به وضعیت پوشش گیاهی منطقه زاگرس و وضعیت اجتماعی و اقتصادی و بررسی‌های صورت‌گرفته روی علل و عوامل تخریب به ویژه حریق و با توجه به ایجاد گسترده منطقه‌ای و ملی

تخریب منابع طبیعی در منطقه زاگرس، مشارکت کلیه دستگاه‌های اثرگذار در اعمال مدیریت بهینه منابع و استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود دستگاه‌های لشکری و کشوری به عنوان یک خطمشی در مدیریت کلان کشور و منطقه زاگرس مورد انتظار است. با توجه به اینکه بروز آتش‌سوزی در منابع طبیعی به عنوان حادثه در این عرصه‌ها وجود دارد به منظور اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و جلوگیری از مبدل شدن این حوادث به بحران، اتخاذ سیاست‌های اجرایی و اعتباری از ضروریات این مهم است.»

زاگرس محل ۹۹درصد کوره‌های ذغال کشور
علی‌زاده در ادامه می‌افزاید: «زاگرس به عنوان وسیع‌ترین رویشگاه گیاهی کشور، میزان ۸۰درصد جمعیت عشایری استان و بیش از ۸۰میلیون راس دام کوچک و بزرگ را تغلیف می‌کند. بیش از چهارمیلیون تن گندم و حدود سه‌میلیون تن علوفه کشور در زاگرس تولید می‌شود. زاگرس به عنوان بزرگ‌ترین فیلتر طبیعی پایدار، بزرگ‌ترین سند سبز مقابل ورود ریزگردها به کشور بوده و سالانه هر هکتار از این جنگل‌ها ۶۸ تن گرد و غبار جذب و رسوب می‌دهد. زاگرس از تاج‌بری و قطع سرشاخه‌ها برای تغلیف دام، تبدیل اراضی جنگلی به زراعت دیم، چرای مغرط کنترل‌نشده و کویدگی خاک، صدمات اجرای پروژه‌های عمرانی ملی از قبیل توسعه راه‌های مواصلاتی، استخراج غیراصولی معادن، انتقال خطوط برق، گاز و نفت و توسعه مراکز نظامی رنجور است. بر اساس بررسی‌های به عمل آمده ۳۶درصد از مساحت جنگل‌های تصرف‌شده کشور، ۲۱درصد از مساحت مراتع تصرف‌شده کشور، ۷۹درصد از کل کوره‌های ذغال کشور، ۴۴درصد از کل چرای غیرمجاز دام، ۶۹درصد از کل هیزم‌های مشکوفه، ۱۵درصد از کل چوب‌آلات مشکوفه، ۵۸درصد از ذغال‌های مشکوفه و بالاخره ۵۰درصد از محصولات فرعی مشکوفه کشور مربوط به زاگرس است.

با این همه، پایگاه یکم اطفای حریق در کرمانشاه افتتاح شد. باید به انتظار نشست و دید آیا این پایگاه تشک‌های روحی و اجتماعی شدیدی را هم در خانه و میان اعضای خانواده خود و هم در محیط جدید شهری تجربه کردند. این عده هیچ‌گاه نتوانستند موقعیت اجتماعی و هویت تاریخی روستای جنگلی خود را در شهر بازسازی یا کسب کنند و بسیاری موارد دیگر، سبب شد که بسیاری از این دامداران بار دیگر به جنگل و دامداری سنتی خود بازگردند،

با این تفاوت که این بار پولی در بساط نداشتند که بخوانند اعتبار هزینه شده از سوی سازمان جنگل‌ها را بازگردانند. برخی نیز که با ممانعت‌های مملوران سازمان جنگل‌ها برای بازگشت به جنگل رویه‌رو شدند، شکوه به امام جمعه شهر بردند.

اینکه شهر و شهرنشین‌ها این دامداران را پس برزند، اینکه این دامداران در صورت کشیدن از اقتصاد معیشتی و ورود به اقتصاد تولیدی با مشکل تنش‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی برای دامداران و خانواده‌اش منجر خواهد شد و این دامداران دوباره از شهر به جنگل پناه خواهند آورد، این همه از قبل قابل پیش‌بینی بود. مساله در طرح «خروج دام از جنگل» است که فاقد بینش‌ها و مطالعات جامعه‌شناختی بود. گرچه این طرح برای ادامه حیات جنگل مفید است، اما به این نکته توجه نشد که هر محیط روستایی جنگلی دارای مختصات اجتماعی و فرهنگی خاص خود است، هر فرد دامدار دارای عناصر هویتی و فرهنگی است که این شهود زندگی و معیشت او پیوند خورده است و باید براساس آن طرح و برنامه ریخت. از آن مهم‌تر برای بردی دوام زندگی این عده در شهر نیز مطالعه‌ای اجتماعی در کار انداخت. با این وجود مشاهده می‌کنیم که روش از بالا به پایین و دستوری همچون تخته قاپو کردن، البته به شیوای امروزی‌تر و دموکراتیک‌تر در اینجا نیز در جریان است. اما این بار دامداران بی‌مها با جنگل ما می‌گردند و اگر هم بازگردند، به حاشیه‌نشین‌های بی‌هویتی در شهرها بدل می‌شوند که هر روز باید با تنش‌های اجتماعی و فرهنگی زندگی شهرنشینی دست و پنجه نرم کنند.

نقد

دامداران دوباره به جنگل پناه آورند

مرتضی گلیورسوته

■ چندی پیش نماینده ولی‌فقیه در مازندران و امام‌جمعه ساری با انتقاد از عملکرد سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در اجرای طرح خروج دام از جنگل، خواستار رسیدگی به وضعیت دامداران جنگل‌نشین دیروز و شهرنشین امروز شده؛ دامدارانی که از زندگی در شهر خسته شده، اندوخته‌های خود را باخته و بار دیگر خواستار بازگشت به زندگی جنگل‌نیشینی خود شده بودند، امری که ممکن به نظر نمی‌آید.

این عده بیشتر پذیرفته بودند که براساس طرح «خروج دام از جنگل» با دریافت مبالغی از سازمان جنگل‌ها که البته کم هم نبود، خود به همراه دام و همه زندگی‌شان از جنگل خارج شده و در مناطقی غیرجنگلی و عمدتاً شهری سکونت گزینند. سازمان جنگل‌ها نیز علاوه بر پرداخت مبالغ فوق‌الذکر، برای این کوچی که باید شکل «دلخواه» و بدون اجبار داشته باشد، اقدام به جانیابی برای این دامداران کرد. نقاطی در حاشیه شهرها برای این دامداران تدارک دیده شد تا دامداری‌های سنتی خود را اکنون به صورت مدرن و در حاشیه شهرها، جایی که حتی به بازارهای مصرف نیز نزدیک‌تر است، دایر کنند. از آن طرف جنگل‌ها نیز از خطر کویدگی خاک بر اثر ضربه‌های سم دما‌ها و خرده شدن نپال‌ها در اثر چرای آنها که این هر دو تجدید حیات جنگل را با خطر مواجه می‌کنند، نجات یابد.

اما چرا همه چیز به این سادگی، به این ظرافت و براساس آنچه در طرح‌های سازمان جنگل‌ها برای خروج دام از جنگل پیش‌بینی و نوشته شده بود، پیش نرفت؟

باید از عنوان طرح آغاز کنیم: «خروج دام از جنگل». مساله درست همین‌جاست. ابتدا باید به این پرسش پاسخ داده می‌شد که هدف تنها خروج چند راس دام از جنگل است یا خروج دامدار که همه عناصر هویتی و تعریفی که از جایگاه خود در هستی دارد، در جنگل شکل یافته و قوام گرفته است.

این همه در حالی است که در این طرح نیز به مانند همه طرح‌های از بالا به پایین و همه «مدیران‌سین دستوری» که در این کشور اجرا شد، یک نوع ساده‌انگاری و تقلیل‌دهی صورت گرفت؛ به عبارت دیگر در طرح خروج دام از جنگل نیز همه آن تاریخ، فرهنگ، شیوه زندگی، معیشت و هویت فرد دامدار که سال‌ها در جنگل، با هم و در یک محیط کوچک و روستایی جنگلی تعریف شده بود و باید برای آن چارهای اندیشیده می‌شد، در عبارت ساده «تغیارت» خلاصه شد. در کلام مجریان طرح تنها دغدغه گویا میزان اعتبار بود. یعنی هرچه اعتبار بیشتر، میزان موفقیت طرح بیشتر. از قضا اعتبار بیشتر شد و مجریان توانستند مبالغ کلانی به دامداران بپردازند، آنها هم در شهرها برای خود خانه یا ماشینی هم بخرند، به آنها وام بدهند و برای‌شان زمین‌هایی برای ساخت دامداری مدرن اختصاص دهند. به این ترتیب دامداران در مرحله اول از جنگل‌ها خارج شدند.

اما چگونه می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به آنها اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی دامداری یا کسب کوچی می‌شد یک دامدار را با وام و زمین و ماشین و دامداری مدرن به تاروپود زندگی شهری پیوند زد؟ تجربه نشان داد بسیاری از دامداران به ویژه در مازندران زمین‌هایی که برای احداث دامداری‌های مدرن به این اعطا شده بود، فروختند. برخی نیز موفق به راهاندازی